



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی

# فرایند تبدیل در زبان فارسی: رویکردی نقشی-متنی

نگارش: آرمان ذاکر

استاد راهنما: دکتر ویدا شقاقی

رساله برای دریافت درجهٔ دکتری تخصصی

در رشتهٔ زبان‌شناسی همگانی

تیر ۱۳۹۲

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی

**فرایند تبدیل در زبان فارسی:**

**رویکردی نقشی-متنی**

نگارش: آرمان ذاکر

استاد راهنما: خانم دکتر ویدا شقاقی

استادان مشاور

آقای دکتر محمد دبیرمقدم

آقای دکتر مجتبی منشی‌زاده

رساله جهت دریافت درجهٔ دکتری تخصصی در رشتهٔ زبان‌شناسی همگانی

تیر ۱۳۹۲

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها  
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: فرایند تبدیل در زبان فارسی: رویکردی متنی-نقشی
نویسنده/محقق: آرمان ذاکر
مترجم: -
استاد راهنما: دکتر ویدا شقاقی استادان مشاور: دکتر محمد دبیرمقدم دکتر مجتبی منشی زاده استادان داور: دکتر شهلا رقیب دوست دکتر مصطفی عاصی
کتابنامه: دارد واژه نامه: دارد
نوع رساله: <input checked="" type="checkbox"/> بنیاد <input type="checkbox"/> توسعه ای <input type="checkbox"/> کاربردی
مقطع تحصیلی: دکتری سال تحصیلی: ۹۱-۹۲
محل تحصیل: تهران نام دانشگاه: دانشگاه علامه طباطبائی دانشکده: زبان و ادبیات فارسی
تعداد صفحات: گروه آموزشی: زبان شناسی، فرهنگ و زبان های باستانی و آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان
کلید واژه ها به زبان فارسی: فرایند تبدیل، مقولات واژگانی، دستور متنی-نقشی

## چکیده

## الف: موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):

تبدیل یک فرایند واژه‌سازی است که طبقه واژگانی واژه‌های موجود در واژگان را تغییر می‌دهد بدون اینکه تغییری عمده در صورت واژه ایجاد کند (والرا، ۲۰۰۶: ۱۷۲). البته تعاریف گوناگونی از این فرایند ارائه شده و برخی زبان‌شناسان تغییرات درون مقوله‌های واژگانی را هم مصداق این فرایند می‌دانند. تبدیل در زبان انگلیسی فرایندی بسیار زایا است و تعداد واژه‌هایی که از این فرایند ساخته شده‌اند در زبان انگلیسی بیشتر از دیگر فرایندهای واژه‌سازی و هم‌ردیف تعداد واژه‌های ساخته شده با فرایندهای ترکیب و اشتقاق است (والرا ۲۰۰۶: ۱۷۲). این فرایند بیشتر بین مقولات اسم و صفت و فعل رخ می‌دهد هرچند که بین مقولات واژگانی دیگر هم ممکن است. تبدیل عناوین دیگری هم دارد که مشهورترین آن‌ها «اشتقاق صفر» یا «وندافزایی صفر»، «تغییر مقوله» یا «تعویض مقوله» است.

در این رساله سعی بر این خواهد بود تا ضمن ارائه توصیف و طبقه‌بندی دقیقی از این پدیده و خصوصیات و محدودیت‌های معنایی و دستوری حاکم بر آن در چارچوب نظریه «دستور متنی نقشی» (هنگولد و مکزی، ۲۰۰۸)، تبیین نظری مناسبی برای این پدیده در زبان فارسی ارائه شود. در این نظریه، مقوله نحوی واژه‌های شرکت‌کننده در این فرایند با توجه به بافت و خواست گوینده مشخص می‌شود.

هدف از انجام این تحقیق ارائه تعریف و توصیفی دقیق از فرایند تبدیل در زبان فارسی است، همچنین ارائه تبیین نظری منطبق با داده‌های واقعی زبان فارسی که توانایی تحدید معنایی و تبیین خصوصیات انواع فرایند تبدیل در این زبان و به خصوص نواژه‌های ساخته شده با این فرایند را داشته باشد. همچنین از دیگر اهداف این تحقیق بررسی تاثیر فرایند تبدیل بر چگونگی ارائه نظریه مقولات واژگانی در زبان فارسی است.

## ب: مبانی نظری:

چارچوب نظری مورد استفاده در این پایان‌نامه «دستور نقشی-متنی» (هنگولد و مکزی، ۲۰۰۸) است که نظریه‌ای نقشگرا بر پایه‌ی داده‌های رده‌شناختی است. این نظریه در پیوستار نظریه‌های نقشگرا، در نزدیکی مرز مشترک با صورت‌گرایان قرار دارد و به تبیین‌های نحوی و صوری نیز اهمیت می‌دهد. هنگولد و مکزی این نظریه را قسمتی از یک نظریه کلی درباره‌ی حوزه‌ی ارتباط کلامی بشر می‌دانند. آن‌ها مدعی‌اند که این نظریه دارای کفایت رده‌شناختی است، یعنی تبیین‌های آن در تمام رده‌های زبانی صادق است. این مدل دنباله‌روی نظریه «دستور نقشی» (دیک، ۱۹۷۹) است، اما در برخی موارد مهم با آن نظریه متفاوت است. این نظریه دارای رویکردی از بالا به پایین است یعنی شروع تحلیل در این نظریه از منظور و مقصود نویسنده است که از طریق یک سری عملیات «صورت‌بندی» (کاربردشناختی و معناشناختی) و "رمز‌گذاری" (صرفی-نحوی و واجی) می‌شوند و برای فراگویی به صورت آوایی، نوشتاری یا علائم اشاری آماده می‌شوند. عملیات صورت‌بندی و رمز‌گذاری مهمترین بخش‌های مورد توجه در این نظریه است که بخش «دستور» این نظریه را تشکیل می‌دهند. این بخش به تنهایی عمل نمی‌کند و با بخش‌های دیگر از جمله «بخش مفهومی» که مربوط به مقصود و منظور گوینده است و «بخش بافتی» که شامل اطلاعات بافت زبانی و غیر زبانی است، و «بخش خروجی» که محل تولید صورت‌های آوایی، نوشتاری و یا علائم اشاری است تعامل دارد. مفهوم نقش در این نظریه شامل نقش‌های معنایی (مثل کنشگر و پذیرنده و غیره)، نقش‌های نحوی شامل (فاعل و مفعول و غیره) و نقش‌های کاربردشناختی (مثل مبتدا و پایان‌بخش و کانون و غیره) است. توصیف کلی اجزای نظریه در هنگولد و مکزی (۲۰۰۸) آمده است.

در چارچوب نظریه‌ی دستور نقشی-متنی نیت گوینده و بافت در تعیین مقوله‌ی نحوی واژه‌هایی که از نظر معنایی قابلیت شرکت در فرایند تبدیل را دارند، موثر است.

سؤالات تحقیق و فرضیه‌ها

۱. انواع فرایندهای تبدیل در زبان فارسی کدامند؟
۲. فرایند معنایی زیربنایی فرایندهای تبدیل چیست؟

۳. از نظر رده‌شناختی فرایند تبدیل زبان فارسی را در کدام رده قرار دارد؟

۴. پیامدهای سازوکار فرایند تبدیل در زبان فارسی برای نظریه مقولات واژگانی چیست؟

فرضیه‌ها

۱. با توجه به تعریف فرایند تبدیل سه نوع فرایند تبدیل اسم و صفت به فعل، فعل به اسم و تبدیل اسم به صفت و صفت به اسم در پیکره مورد مطالعه زبان فارسی مشاهده می‌شود.

۲. فرایند معنایی زیربنایی تبدیل، مجاز و استعاره است.

۳. از نظر رده‌شناختی تبدیل در زبان فارسی به دو صورت واژه به واژه و ستاک وجود دارد.

۴. فرایند تبدیل نظریه‌های مقولات واژگانی مبتنی بر مختصه‌های لازم و کافی را رد می‌کند.

روش تحقیق:

از آنجا که این تحقیق داده‌بنیاد است، داده‌های مورد بررسی در این پژوهش از پایگاه دادگان زبان فارسی «پیکره» (بیجن‌خان و همکاران، ۲۰۱۱) استخراج شده است. این پیکره شامل ۱۰۶۱۸۱۸۷ قطعه نوشتاری است که حجم آن پس از برچسب‌گذاری به ۹۸۸۰۴۰۰ قطعه کاهش یافته است. متون این پیکره از منابع مختلف مانند کتاب، روزنامه، مجله، یادداشت‌های روزانه و غیره انتخاب شده‌اند و موضوعات متنوعی را پوشش می‌دهند. متون پیکره شامل داده‌های نوشتاری و گفتاری است. جزئیات موضوعات و تعداد قطعات مربوط به هر موضوع در بیجن‌خان و محسنی (۱۳۹۰: ۷-۱۰) به تفکیک ذکر شده است. این پیکره به صورت نیمه‌خودکار به وسیله دست و توسط اهل زبان و همچنین با رایانه تقطیع شده است. برچسب‌گذاری این پیکره به صورت نیمه‌خودکار و بر مبنای راهنمای گروه مشورتی خبرگان برای تعیین استانداردهای مهندسی زبان (ایگلز) بوده است. برای جزئیات مربوط به این سیستم برچسب‌گذاری رجوع شود به بیجن‌خان و همکاران (۲۰۱۱).

با توجه به کم بودن تعداد گاه‌واژه‌های محصول فرایند تبدیل در پیکره این رساله، برای تحلیل این موارد صد مورد از افعال تبدیلی از دیوان اشعار طرزی افشار شاعر دوران صفوی انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفت.

## یافته‌های تحقیق:

در زبان فارسی چهار نوع تبدیل میان اعضای سه‌مقوله‌ واژگانی اصلی زبان فارسی شناسایی شد: اسم و صفت به فعل، فعل به اسم و صفت، اسم به صفت و صفت به اسم.

تبدیل اسم و صفت به فعل در زبان فارسی قدمتی بسیار طولانی دارد و از دوره‌های باستان و میانه وجود داشته است این گونه موارد در کتب دستور به عنوان «افعال جعلی» شناخته شده‌اند. در پیکره مورد مطالعه در این رساله ۱۲۵۵۵ صورت‌واژه فعل وجود دارد که مربوط به ۲۷۸ مصدر بسیط مختلف هستند. از این میان ۶۳ فعل بدون در نظر گرفتن بسامد موردی (تکرار) از فرایند تبدیل اسم و صفت به فعل ساخته شده‌اند. از این افعال ۷ مورد از اسم‌مصدرهای عربی، یک مورد از واژه دخیل از ترکی و یک مورد از واژه دخیل غربی ساخته شده‌اند. از کل این ۶۳ مورد فعل تبدیلی، ۵۰ مورد افعال تبدیلی از اسم و ۱۳ مورد افعال ساخته شده از صفت هستند.

همانطور که پیشتر گفته شد فرایند معنایی زیربنایی تبدیل، فرایند معنایی مجاز است. از نظر معنایی افعال تبدیلی یافت شده در پیکره زبان فارسی را می‌توان به ۶ طبقه معنایی تقسیم کرد. افعال مکانی ۱ مورد، افعال تدارکاتی ۱ مورد، افعال نتیجه‌ای ۷ مورد، افعال اجرایی ۲۲ مورد، افعال ابزار ۵ مورد و افعال انگیزشی ۲ مورد بوده‌اند.

نتایج به دست آمده از این داده‌ها نشان می‌دهد که فرایند تبدیل اسم و صفت به فعل در زبان فارسی فرایندی زایا بوده به طوری که ۶۳ فعل از ۲۷۸ فعل بسیط افعال تبدیلی هستند که این خود معادل ۲۲.۶ درصد از کل افعال بسیط فارسی است. البته در زبان فارسی تبدیل اسم به فعل از تبدیل صفت به فعل زایاتر است. علی‌رغم تعداد زیاد افعال تبدیلی در پیکره، تعداد این افعال از افعال تبدیلی ذکر شده در دستورهای فارسی بسیار کمتر است. برای مثال جباری (۱۳۸۷: ۶۷) فهرستی از ۱۴۴ فعل تبدیلی ارائه کرده است. بنابراین افعال تبدیلی موجود در واژگان زبان فارسی کم‌کم متروک شده و کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. این موضوع خود بخشی از فرایند کم‌کاربردتر شدن افعال بسیط در زبان فارسی و تمایل به استفاده از افعال مرکب در این زبان است. بسامد دو همکرد پر کاربرد «کردن» و «شدن» که جزء فعلی افعال مرکب هستند در پیکره به ترتیب ۱۴۰۱۳۶ و ۱۱۷۷۷۹ مورد با احتساب تکرار است که با ۱۲۵۵۵ مورد، با احتساب تکرار، فعل بسیط استفاده شده در این پیکره بسیار بیشتر است. به اعتقاد نگارنده یکی از دلایل اقبال عمومی به افعال مرکب، شفافیت معنایی حاصل از افعال همکرد است. در تبدیل اسم



و صفت به فعل، مخاطب به یک باره با یک واژه با معنای جدید مواجه می‌شود ولی دست کم قسمتی از معنای یک فعل مرکب را در صورت ندانستن معنای جزء غیر فعلی می‌توان از فعل همکرد حدس زد.

تحلیل معنایی افعال تبدیلی نشان می‌دهد که فارسی‌زبانان بیشتر تمایل دارند تا اسامی نشان‌دهنده یک فرایند و یا نتیجه آن را به فعل تبدیل کنند (۲۶ مورد از ۶۳ مورد).

دیگر فرایند تبدیل مشاهده شده در پیکره زبان فارسی تبدیل فعل به اسم و صفت است. تبدیل فعل به صفت در مواردی چون «ماشین برو، آدم بخور» و شبیه آن دیده می‌شود. این فرایند در مکالمات شفاهی و غیر رسمی زبان کاربرد دارد و به همین دلیل مواردی از آن در پیکره مورد مطالعه دیده نشد. اما تبدیل فعل به اسم در زبان فارسی فرایندی زیاست و ۵۸ مورد از این فرایند در پیکره مشاهده شد که در مقایسه با ۲۷۸ فعل بسیط موجود در پیکره نشان از زایایی این فرایند دارد.

از ۶۱ مورد اسامی ساخته شده از فعل، ۴۱ مورد از ستاک گذشته و ۲۰ مورد از ستاک حال افعال ساخته شده‌اند که نشانه زایاتر بودن تبدیل ستاک گذشته به اسم است.

از نظر معنایی در ۱۹ مورد از این اسامی مثل «سوخت، پرداخت، درآمد»، عنصر کنش‌پذیر در طرح‌واره رویداد فعل، برجسته شده، در ۱۰ مورد مثل «پخت، بافت و دوخت»، نتیجه رویداد، در ۸ مورد ابزار مثل «بست و رسید» و در ۲۴ مورد کل رویداد مثل «رفت» به صورت اسم بازمقوله‌بندی شده است.

تبدیل اسم به صفت و صفت به اسم از زایاترین انواع فرایند تبدیل در زبان فارسی است. فرایند تبدیل صفت به اسم با ۲۷۷ مورد پر بسامدترین فرایند تبدیل در زبان فارسی است در حالی که ۱۵۰ مورد هم تبدیل اسم به صفت در پیکره دیده شده است. با توجه به بسامد بالای تبدیل صفت به اسم به نظر می‌رسد که اکثر صفت‌ها در زبان فارسی می‌توانند به صورت اسم و به جای اسم دارنده آن صفت به کار روند. فرایند تبدیل اسم به صفت دارای دو نوع اصلی است. دسته اول واژه‌های دخیل از عربی هستند که در دستور عربی به آن‌ها اسم مصدر گفته می‌شود مثل «راحت»، اما دسته دوم اسامی هستند که مرجع آن‌ها به نوعی دارای یک خصوصیت خاص است و این خصوصیت به صورت استعاری برای اسم دیگری که دارای آن خصوصیت است به کار می‌رود، برای مثال در جمله «علی ماه است.» خصوصیت درخشان (یا زیبا) بودن «ماه» به علی نسبت داده شده است. فرایند معنایی زیربنایی این فرایند، استعاره است.

برای بررسی بافتی‌ها در زبان فارسی صد فعل تبدیلی از دیوان طرزی شاعر عصر صفوی انتخاب و تحلیل شد. تحلیل این افعال از نظر معنایی نشان می‌دهد که این افعال از طریق برجسته‌سازی یکی از عناصر

حاضر در طرح‌وارهٔ رویداد از طریق مجاز ساخته می‌شوند. تنوع و گوناگونی معنایی این افعال نشان می‌دهد که در زبان فارسی می‌توان هر اسم یا صفتی را به فعل تبدیل کرد و در این زمینه هیچ‌گونه محدودیتی وجود ندارد و این امکان به صورت بالقوه برای تمامی اسامی و صفات در زبان فارسی وجود دارد. تنها نکته مهم این است که معنای این نواژه‌ها تنها از طریق بافت درک می‌شود و درک معنای برخی از این افعال تبدیلی بدون داشتن سرنخ‌های بافتی ممکن نیست، برای مثال معنی فعل «بگورند» به معنی «بمیرند» تنها از بافت دانسته می‌شود. وجود این بافتی‌ها نشان می‌دهد که فرایند تبدیل فرایندی خلاق و تعاملی و وابسته به بافت است.

وجود واژه‌های ساخته شده از فرایند تبدیل باعث به وجود آمدن واژه‌هایی با صورت یکسان و مقوله‌های متفاوت در زبان می‌شود و همین موضوع به لحاظ نظری برای بسیاری از نظریه‌های مقولات واژگانی مشکل ایجاد می‌کند. پیامد نظری وجود فرایند تبدیل، اصلاح نظریه‌های مقولات واژگانی است. هنگولد ۱۹۹۲ با بررسی زبان‌های بسیار از رده‌ها و خانواده‌های گوناگون زبانی نظریهٔ مقولات واژگانی خود را ارائه داد که داده‌های زبان فارسی هم مؤید این نظریه است. در این نظریه واژگان زبان به دو طبقهٔ اصلی مقولات منعطف و مقولات غیرمنعطف تقسیم می‌شوند. مقولات منعطف آن‌هایی هستند که می‌توانند درونداد فرایند تبدیل باشند و مقولات غیر منعطف نمی‌توانند درونداد فرایند تبدیل قرار گیرند، مگر آن که به مقولات منعطف بازفهرست شوند. تعداد اعضای این دو دسته در زبان‌های گوناگون متفاوت است.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

به اختصار آنچه را در جریان فرایند تبدیل روی می‌دهد، با توجه به چارچوب نظری دستور نقشی-متنی و نتایج تحلیل داده‌های زبان فارسی شرح می‌دهیم. فرایند تبدیل فرایندی زایا و خلاق است که طی این فرایند گوینده با توجه به بافت و در نظر گرفتن شرایط مکالمه و اطلاعات دانشنامه‌ای مخاطب دست به انجام این فرایند می‌زند. بدین منظور ابتدا با استفاده از فرایند معنایی مجاز یا استعاره، عنصری از یک طرح‌واره را به انتخاب خود برجسته کرده و در کانون توجه قرار می‌دهد سپس با استفاده از «بازفهرست» کردن واژهٔ موجود در واژگان را از طبقهٔ منعطف و یا غیر منعطف انتخاب می‌کند و واژهٔ انتخابی را با معنای جدید و البته با مقولهٔ جدید دوباره در یک مقولهٔ واژگان بازفهرست می‌کند، مثلاً یک فعل به صورت اسم و یا یک اسم را به صورت فعل بازفهرست می‌شود. در مرحلهٔ بعد گوینده با انتخاب قالب صرفی-نحوی مناسب موجود در زبان، جملهٔ خود را رمزگذاری می‌کند (یعنی می‌سازد) البته گوینده سعی می‌کند که با قرار دادن

سرنخ‌های موجود در بافت، به مخاطب کمک کند تا معنای واژه تبدیلی را تحلیل و درک کند. در صورتی که مخاطب نتواند این معنا را درک کند فرایند ناقص می‌ماند. مخاطب با استفاده از بافت و دانش جهانی خود درباره طرح‌واره‌ها واژه تبدیلی را رمزگشایی می‌کند.

همانطور که پیشتر گفته شد در این رساله موارد تبدیل گروهی یعنی تبدیل عناصر بزرگتر از واژه کنار گذاشته شد، بخشی از این تصمیم به خاطر رعایت وحدت رویه و تعریف ارائه شده برای فرایند تبدیل بود و بخش دیگر بخاطر کمبود امکانات نرم‌افزاری لازم برای جستجو و تشخیص این موارد در پیکره بود. تا جایی که نگارنده اطلاع دارد هنوز نرم‌افزاری که قابلیت شناسایی این گونه موارد را داشته باشد در دسترس پژوهشگران نیست. بررسی و مطالعه این گونه موارد می‌تواند از موارد پیشنهادی برای مطالعات پیش‌رو باشد.

چارچوب نظری مورد استفاده در این پیکره یک نظریه نقش‌گرا است که توانایی تحلیل فرایندهای صرفی-نحوی را هم دارا می‌باشد. مطالعات کمی درباره خاستگاه نقشی و معنایی فرایندهای صرفی و نحوی تا کنون صورت پذیرفته است. در رویکردهای نقش‌گرا تحلیل فرایند از نیت گوینده و بافت مکالمه آغاز می‌شود بسیاری از پدیده‌های صرفی همچون ترکیب و اشتقاق را نیز می‌توان از این منظر بررسی کرد. پیدا کردن راهکار درک معنای واژه‌های مرکب برون‌مرکز مثل دست‌فروش، ساخت افعال مرکب جدید، ساخت واژه‌های جدید با کمک فرایند تکرار و مواردی از این دست، بدون شک تنها از طریق بافت پاره‌گفتار و اطلاعات دانشنامه‌ای گوینده و شنونده امکان‌پذیر است. رویکردهای نقش‌گرا و شناختی برای تبیین این موارد می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان‌نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می‌نمایم.

نام استاد راهنما: دکتر ویدا شقاقی

رئیس کتابخانه:

سمت علمی: دانشیار

نام دانشکده: ادبیات و زبان فارسی

تقدیم به پدر و مادرم

## سپاس‌گزاری

با سپاس از الطاف بی‌کران خداوند متعال و تشکر از اساتید بزرگوارى که من را در پژوهش و نگارش این رساله یاری داده‌اند. سپاس از استاد ازرگوار سرکار خانم دکتر شقاقى استاد راهنمای این رساله که دلسوزانه و بزرگوارانه یاور من در نگارش این رساله بودند. سپاس از جناب استاد دکتر دبیرمقدم که بزرگترین افتخار تحصیلی من شاگردی ایشان است؛ تشکر از استاد ارجمند جناب دکتر منشی‌زاده که بسیار از راهنمایی‌هایشان بهره بردم.

از دیگر اساتید گروه زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، آقای دکتر صفوی، آقای دکتر صحرایی، خانم دکتر مدرسی و خانم دکتر رقیب‌دوست سپاسگزارم.

وظیفه خود می‌دانم که از استاد بزرگوار دانشگاه تهران، آقای دکتر بی‌جن‌خان که با سخاوت علمی بسیار پیکره این رساله را در اختیار بنده قرار دادند نیز تشکر کنم.

## چکیده

تبدیل از فرایندهای واژه‌سازی است که طبقه‌ی واژگانی واژه‌های موجود در واژگان را تغییر می‌دهد بدون اینکه تغییری در صورت واژه ایجاد کند (والرا، ۲۰۰۶: ۱۷۲). این فرایند در زبان فارسی فرایندی زیاست و مصادیق فراوانی از این فرایند در زبان فارسی دیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۵). با بررسی داده‌های مستخرج از پایگاه پیکره‌ی زبان فارسی (بیجن خان و همکاران، ۲۰۱۱)، این فرایند در تبدیل مقولات زیر در زبان فارسی شناسایی شد:

۱. تبدیل اسم و صفت به فعل مثل: آغازیدن، خشکیدن و امثال آن.

۲. تبدیل فعل به اسم و صفت مثل: گشت، رسید و جز آن

۳. تبدیل صفت به اسم و اسم به صفت مثل: عاقلان، آبی‌ها و مثل آن

فرایند تبدیل در زبان فارسی از دوره‌ی باستان زایا بوده است و در زبان فارسی باستان ریشه‌های فعلی به صورت اسم و صفت به کار می‌رفته‌اند.

در زبان فارسی از نظر رده‌شناختی دو نوع فرایند تبدیل دیده می‌شود، در تبدیل صفت به اسم تبدیل واژه به واژه و در تبدیل اسم و صفت به فعل تبدیل واژه به ستاک و در تبدیل فعل به اسم تبدیل ستاک به واژه وجود دارد، که در جریان آن اسم و صفت به ستاک فعلی تبدیل می‌شود.

نظریه‌ی نقشی-متنی (هنگولد و مکنزی، ۲۰۰۸) چارچوب نظری این رساله است. نظریه‌ی نقشی-متنی نظریه‌ای نقش‌گراست که به مسائل صوری زبان توجه ویژه‌ای دارد. در چارچوب این نظریه فرایند تبدیل از بافت و کاربرد زبان آغاز می‌شود و گوینده با توجه به شرایط بافت و اطلاعات در دسترس مخاطب مقوله‌ی واژگانی واژه‌های زبان را مشخص می‌کند (گارسیا و لاسکو، ۲۰۰۹). دیگر نظریه‌ی مورد استفاده در این رساله نظریه‌ی بازفهرست لیبر (۲۰۰۴) است، و فرایندهای معنایی مجاز و استعاره زیربنای این فرایند دانسته شده‌اند. فرایند تبدیل فرایندی زایا و خلاق است که طی این فرایند گوینده با توجه به بافت و در نظر گرفتن شرایط مکالمه و اطلاعات دانش‌نامه‌ای مخاطب دست به انجام واژه‌سازی با این فرایند می‌زند. بدین منظور، ابتدا به کمک فرایند معنایی مجاز یا استعاره، عنصری از یک طرح‌واره را به انتخاب خود برجسته کرده و در کانون توجه قرار می‌دهد سپس با استفاده از «بازفهرست» کردن واژه موجود در واژگان را از طبقه‌ی منعطف انتخاب می‌کند و واژه انتخابی را با معنای جدید و البته با مقوله‌ی جدید دوباره در یک مقوله‌ی واژگان بازفهرست می‌کند، مثلاً

یک فعل به صورت اسم و یا یک اسم را به صورت فعل بازفهرست می‌شود. در مرحله بعد گوینده با انتخاب قالب صرفی-نحوی مناسب موجود در زبان، جمله خود را می‌سازد. گوینده سعی می‌کند که با قرار دادن سرخ‌های موجود در بافت، به مخاطب کمک کند تا معنای واژه تبدیلی را تحلیل و درک کند. در صورتی که مخاطب نتواند این معنا را درک کند، فرایند ناقص می‌ماند. مخاطب با استفاده از بافت و دانش جهانی خود درباره طرح‌واره‌ها واژه تبدیلی را رمزگشایی می‌کند.

زبان‌شناسان فرایند تبدیل را با توجه به ثبت واژه‌های ساخته شده از این فرایند در واژگان، به دو دسته‌ی فرایند تبدیل واژگانی شده و فرایند تبدیل بافتی تقسیم کرده‌اند. در نوع اول واژه‌های ساخته شده در واژگان ثبت می‌شوند و واژه‌های تبدیلی در نوع دوم تنها به صورت گاه‌واژه به کار می‌روند و در واژگان ثبت نمی‌شوند. با توجه به اینکه این فرایند در گونه‌های گفتاری و نوشتاری رسمی زبان فارسی کمتر دیده می‌شود، صد مورد از این فرایند در دیوان اشعار طرزی افشار، شاعر عصر صفوی، انتخاب و از نظر بافتی بررسی شد. این نوواژه‌ها رویکرد نظریه‌ی متنی-نقشی به فرایند تبدیل را تأیید می‌کنند. بر اساس این نظریه، اهل زبان می‌توانند با توجه به بافت زبانی و غیر زبانی، و با فراهم آوردن اطلاعات لازم برای درک مخاطب، مقوله‌ی واژگانی واژه‌ها را تغییر دهند. تحلیل این افعال از نظر معنایی نشان می‌دهد که این افعال از طریق برجسته‌سازی یکی از عناصر حاضر در طرح‌واره رویداد از طریق مجاز ساخته می‌شوند. تنوع و گوناگونی معنایی افعال تبدیلی نشان می‌دهد که در زبان فارسی می‌توان هر اسم یا صفتی را به فعل تبدیل کرد و در این زمینه هیچ‌گونه محدودیتی وجود ندارد. امکان تبدیل به صورت بالقوه برای تمامی مقوله‌های واژگانی در زبان فارسی وجود دارد. تنها نکته مهم این است که معنای این نوواژه‌ها تنها از طریق بافت درک می‌شود و درک معنای برخی از این افعال تبدیلی بدون داشتن سرخ‌های بافتی ممکن نیست.

**واژه‌های مهم:** فرایند تبدیل، مقولات واژگانی، دستور نقشی-متنی، بافتی‌ها

## فهرست مطالب

۱	<b>فصل اول: مقدمه</b>
۱	۱-۱- مقدمه
۱	۱-۲- تعریف مسئله و بیان سؤالات اصلی تحقیق
۴	۱-۳- اهداف انجام تحقیق
۵	۱-۴- روش انجام تحقیق و گردآوری اطلاعات
۵	۱-۵- سؤالات تحقیق و فرضیه‌ها
۶	۱-۶- اهداف تحقیق
۶	۱-۷- مشکلات و تنگناهای تحقیق
۷	۱-۸- تعریف اصطلاحات کلیدی
۸	۱-۹- ساختار رساله
۹	<b>فصل دوم: پیشینه</b>
۱۰	۲-۱- مقدمه
۱۰	۲-۲- فرایند تبدیل
۱۱	۲-۲-۱- تغییر یا جابجایی نقش
۱۱	۲-۲-۲- اشتقاق صفر یا وندافزایی صفر
۱۲	۲-۲-۳- تبدیل
۱۳	۲-۳- مسائل بحث برانگیز درباره فرایند تبدیل
۱۳	۲-۳-۱- فرایند تبدیل، فرایند واژه‌ساز
۱۳	۲-۳-۲- رابطه تبدیل و نظریه مقولات واژگانی



۱۴	۲-۳-۳- تغییرات جزئی صوری در جریان فرایند تبدیل
۱۵	۲-۳-۴- رویکرد همزمانی یا درزمانی
۱۵	۲-۳-۵- جهت فرایند تبدیل
۱۶	۲-۳-۶- صورت‌های جدید (نواژه‌ها)
۱۶	۲-۴- نظریه‌های فرایند تبدیل
۲۰	۲-۴-۱- نظریه‌ی تبدیل
۲۱	۲-۴-۲- تعویض یا اصلاح
۲۲	۲-۴-۳- قواعد تغییر مقوله
۲۴	۲-۴-۴- باز مقوله‌بندی
۲۷	۲-۴-۵- تبدیل و صرف طبیعی
۲۸	۲-۴-۶- استعاره‌ی صرفی
۳۰	۲-۴-۷- گسترش معنایی
۳۰	۲-۴-۸- مجازِ طرح‌واره‌ی رویداد
۳۳	۲-۴-۹- وندافزایی پنهان اشتقاق صفر
۴۶	۲-۴-۱۰- وندافزایی صفر بدون وندافزایی آوایی
۴۸	۲-۴-۱۱- چند نقشه بودن واژه
۵۰	۲-۴-۱۲- صرف توزیعی
۵۲	۲-۴-۱۳- تغییر طبقه‌ی واژگانی
۵۲	۲-۴-۱۴- حشو واژگانی

۵۲	۲-۴-۱۵- زیرمشمخصه سازی مقوله
۵۵	۲-۵- در جستجوی نظریه‌ی معنایی برای افعال تبدیلی
۵۷	۲-۵-۱ چرخش مجازی، باز مقوله‌بندی معنایی
۵۸	۲-۵-۲ نظریه معنایی لیبر: اسکلت‌ها و بدنه‌ها
۶۲	۲-۶- نظریه بالتیرو ۲۰۰۷الف
۶۳	۲-۷- فرایند تبدیل در منابع فارسی
۶۴	۲-۷-۱- دشتی (۱۳۸۶)
۶۴	۲-۷-۲- طباطبایی (۱۳۸۵)
۶۵	۲-۷-۳- حق‌بین (۱۳۸۶)
۶۶	۲-۸- نتیجه‌گیری
۶۹	<b>فصل سوم: چارچوب نظری</b>
۷۰	۳-۱- مقدمه
۷۰	۳-۲- دستور متنی-نقشی: هنگولد و مکنزی (۲۰۰۸)
۷۲	۳-۲-۱- ساختار دستور متنی-نقشی
۷۵	۳-۳- ولاسکو ۲۰۰۹: فرایند تبدیل و دستور متنی-نقشی
۷۹	۳-۴- تبدیل در نظریه متنی-نقشی
۸۲	۳-۵- مقولات واژگانی
۸۷	۳-۶- پیکره
۸۸	۳-۷- نتیجه‌گیری

۸۹	فصل چهارم: تحلیل داده‌ها
۹۰	۴-۱- مقدمه
۹۰	۴-۲- تعریف فرایند تبدیل در زبان فارسی
۹۳	۴-۲-۱- تبدیل ناقص
۹۴	۴-۲-۲- فرایندهای مشابه ولی متفاوت از تبدیل
۹۵	۴-۲-۲-۱- هم‌نامی و هم‌نویسی
۹۷	۴-۲-۲-۲- دستوری شدن
۹۸	۴-۲-۲-۳- تبدیل گروه به گروه
۹۹	۴-۲-۲-۴- تغییر مقولهٔ ثانویه یا تغییر زیرمقوله
۱۰۱	۴-۲-۳- مصادیق تبدیل در نوشتگان انگلیسی
۱۰۴	۴-۲-۴- تبدیل در زبان فارسی
۱۰۵	۴-۳- رده‌شناسی تبدیل
۱۰۹	۴-۳-۱- رده‌شناسی تبدیل در زبان فارسی
۱۱۳	۴-۴- جهت فرایند تبدیل
۱۱۴	۴-۵- انواع فرایند تبدیل در زبان فارسی
۱۱۴	۴-۵-۱- تبدیل اسم و صفت به فعل
۱۱۹	۴-۵-۱-۲- تبدیل اسم و صفت به فعل در زبان فارسی
۱۲۱	۴-۵-۱-۳- افعال تبدیلی در زبان فارسی: نظریه‌ها
۱۳۰	۴-۵-۱-۴- افعال تبدیلی از صفت

- ۱۳۲ - ۲-۵-۴- تبدیل فعل به اسم و صفت
- ۱۳۳ - ۱-۲-۵-۴- الگوی معنایی زیربنایی تبدیل
- ۱۳۴ - ۲-۲-۵-۴- تبدیل فعل به اسم در زبان فارسی
- ۱۳۴ - ۳-۲-۵-۴- خصوصیات صرفی
- ۱۳۵ - ۴-۲-۵-۴- خصوصیات معنایی
- ۱۴۰ - ۵-۲-۵-۴- تبدیل فعل به صفت
- ۱۴۰ - ۳-۵-۴- اسم به صفت و صفت به اسم
- ۱۴۶ - ۱-۳-۵-۴- تبدیل صفت به اسم
- ۱۵۲ - ۲-۳-۵-۴- تبدیل اسم به صفت
- ۱۶۱ - ۶-۴- تبدیل نواژه‌ساز، تبدیل‌های بافتی
- ۱۶۲ - ۱-۶-۴- چگونه اهل زبان معنی بافتی‌ها را درمی‌یابند
- ۱۶۴ - ۲-۶-۴- بافتی‌ها در زبان فارسی
- ۱۶۶ - ۳-۶-۴- طرزی افشار
- ۱۷۰ - ۴-۶-۴- معنی در نواژه‌های تبدیلی فارسی
- ۱۷۸ - ۷-۴- تبدیل و نظریه‌ی مقولات واژگانی
- ۱۷۹ - ۱-۷-۴- نظریه‌های مقولات واژگانی
- ۱۸۱ - ۱-۱-۷-۴- دستور زایشی
- ۱۸۲ - ۲-۱-۷-۴- صرف توزیعی
- ۱۸۳ - ۳-۱-۷-۴- دستور شناختی